



بررسی تصویرپردازی در منظومه‌های عاشقانه ویس و رامین و گل و نوروژ با رویکرد تشبیه و استعاره در تطبیق با نسخه خسرو و شیرین

بیان فروغ کرمانشاهی^۱، محمدرضا قاری^۲، مجید عزیزی^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. b_foroughkermanshahi@yahoo.com
^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. mr-ghari@iau-arak.ac.ir
^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. azizi_m@yahoo.com

چکیده

یکی از انواع معروف تقسیم‌بندی ادبیات از نگاه ناقدان فرنگی که براساس احساس و عاطفه پایه‌ریزی شده «ادبیات غنایی» است. در این نوع ادبی شاعر برای بیان احساسات خود کلی‌ترین عنصر خیال یعنی استعاره را برمی‌گزیند و در بعضی از موضوعات شعری خود از تشبیه هم استفاده می‌کند. در این تحقیق سه منظومه عاشقانه مورد مطالعه قرار گرفت و سیر و تحول تصویر از قرن چهارم تا قرن هشتم بررسی شد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. با توجه به مطالعات انجام شده و بررسی موضوع و تصاویر داستان‌ها این نتیجه حاصل شده که هرکدام از شاعران به اقتضای جهان پیرامون خود به تصویرآفرینی پرداخته‌اند و در زمینه تصویرپردازی در دو منظومه ویس و رامین با ۴۰ درصد و گل و نوروژ با ۳۵ درصد عنصر طبیعت بیشترین قسمت شعر و در خسروشیرین عناصر بزم با ۲۶ درصد بیشترین را قسمت از تصاویر شعری را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین هر سه شاعر در زمینه عناصر انتزاعی، کم‌ترین استفاده را (به ترتیب: ۳، ۵، ۷ درصد) داشته‌اند. در زمینه میزان استفاده از عناصر خیال نیز شاعر در ویس و رامین بیشتر از عنصر تشبیه و دو شاعر دیگر از استعاره استفاده کرده‌اند و شاید دلیل زیباتر شدن خسرو و شیرین و ویس و رامین نیز همین باشد.

اهداف پژوهش:

۱. تعیین میزان تصویرپردازی به کمک صورخیال در منظومه‌های عاشقانه ویس و رامین، گل و نوروژ و خسرو شیرین.
۲. بررسی تصاویر مشترک در سه منظومه ویس و رامین، خسرو و شیرین و گل و نوروژ براساس دو عنصر خیال یعنی تشبیه و استعاره بوده.

سؤالات پژوهش:

۱. میزان تصویرپردازی به کمک صورخیال در منظومه‌های عاشقانه ویس و رامین، گل و نوروژ و خسرو شیرین چقدر می‌باشد؟
۲. شباهت و تفاوت دو منظومه با خسرو و شیرین در چه چیزهایی می‌باشد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۵۹۳ الی ۶۱۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

ادب غنایی، تصویر، خیال، استعاره، تشبیه.

ارجاع به این مقاله

کرمانشاهی، بیان فروغ، قاری، محمد رضا، عزیزی، مجید. (۱۴۰۲). بررسی تصویرپردازی در منظومه‌های عاشقانه ویس و رامین و گل و نوروژ با رویکرد تشبیه و استعاره در تطبیق با نسخه خسرو و شیرین. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۵۹۳-۶۱۴.



dorl.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.31.0



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.30.207.1693

مقدمه

ناقدان فرنگی آثار ادبی را دور از توجه به شکل ظاهری و فقط از دیدگاه عاطفی و معنوی و وجدانی به چهار نوع تقسیم کرده‌اند: حماسی، غنایی، نمایشی و شعر تعلیمی. این تقسیم‌بندی‌ها هر کدام دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. یکی از انواع معروف ادبیات، «ادبیات غنایی» است. منظور از ادب غنایی اشعاری است که در آن شاعر احساسات شخصی خود را با زبانی آهنگین بیان می‌کند. در یونان باستان اشعار کوتاهی وجود داشت که همراه با سازی به نام «لیر» خوانده می‌شد. از این رو به اشعار غنایی، «لیریک» می‌گویند. شاید باتوجه به مشخصات به دست آمده از آن اشعار ابتدایی بتوان آن‌ها را گونه‌ای ترانه خواند (پارساپور، ۱۳۸۳: ۱۶). گیلبرت‌هایت معتقد است منشاء شعر غنایی، ترانه است؛ مهم نیست که مضمون آن غم‌انگیز یا شاد باشد. تنها باید ملحون باشد و موافق با موسیقی. او ثابت می‌کند که آواز و رقص با تمام انواع شعر غنایی درآمیخته است. به مرور زمان با رشد ادب غنایی این نوع شعر از موسیقی و رقص فاصله گرفت و قوی‌تر و پیچیده‌تر شد، به گونه‌ای که نغمه الفاظ و الگوهای آوایی درهم‌تنیده شده و آهنگ مکرر و اصوات صدادار و بی‌صدا جایگزین نغمات موسیقی شدند (هایت، ۱۳۹۴: ۳۵۲).

ادبیات غنایی در ادبیات ما بیشتر به شعر عاشقانه تعبیر می‌شود و بیشترین گمان بر این است که محتوای اکثر اشعار غنایی در مورد عشق است؛ درحالی که «در شعر فارسی، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بئ الشکوی و گلایه و تغزل در قوالب غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و حتی قصیده مطرح می‌شود؛ اما مهم‌ترین قالب آن غزل است.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۲۸). اوج دوره اشعار غنایی در ادبیات ما در سبک عراقی مشاهده می‌شود اما اشعار عاشقانه و غنایی در ادب فارسی از اواسط قرن سوم هجری یعنی از نخستین روزگار پیدایش شعر دری آغاز شد و قدیمی‌ترین آن‌ها را در ادبیات بازمانده از حنظله باد غیسی می‌توان یافت. لیکن دوره کمال شعر غنایی در زبان فارسی از قرن چهارم آغاز شد.

در پایان قرن ششم هجری، نظم داستان‌ها به وسیله یکی از بزرگان شعر پارسی یعنی نظامی گنجوی، به حد اعلای خود می‌رسد. این داستان‌ها عبارت‌اند از: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر که با داستان حماسی - تاریخی اسکندرنامه و منظومه تعلیمی - حکمی مخزن‌السرار، پنج‌گنج یا خمسه نظامی را به وجود آورده‌اند. نظامی نوع شعر داستانی و قصص را در زبان فارسی به حد اعلای خود می‌رساند و به همین سبب، در قرن‌های بعد مورد تقلید گروهی از شاعران قرار می‌گیرد. نخستین مقلد بزرگ نظامی، امیر خسرو دهلوی است که منظومه‌های شیرین و خسرو، لیلی و مجنون، هشت بهشت و آینه اسکندر او معروف است. پس از وی، خواجه کرمانی صاحب کمال‌نامه، گل و نورو، گوهرنامه، همای و همایون و سلمان ساوجی صاحب فراق‌نامه، جمشید و خورشید و در قرن نهم کاتبی ترشیزی صاحب منظومه‌های حسن و عشق، ناظر و منظور، بهرام و گل اندام، از داستان‌سرایان قابل توجه هستند. مشهورترین داستان - سرایان ایران بعد از شاعران قرن‌های ششم و هفتم، بی‌تردید، نورالدین عبدالرحمان جامی است. مثنوی‌های سلمان و اقبال، یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون او همگی منظومه‌های عاشقانه زیبایی در زبان فارسی هستند. این سه منظومه

همراه با منظومه حماسی - تاریخی، خردنامه اسکندری و مثنوی حکمی و عرفانی سلسله‌الذهب، تحفه‌الابرار، مجموعاً هفت اورنگ او را به وجود می‌آورند.

ادب غنایی و منظومه‌هایی که در این حیطة قرار می‌گیرند آثار زیادی را شامل می‌شوند و باتوجه به گستردگی ادب غنایی مقاله‌های بسیاری کار شده است اما به این شیوه که سه اثر نام برده مورد تحلیل تصاویر از نظر تشبیه و استعاره قرار گرفته باشد، مقاله‌ای انجام نشده اما می‌توان به ذکر نمونه‌هایی از این مقاله‌ها اکتفا کرد: ساختار داستانی منظومه‌های عاشقانه فارسی از حسن ذوالفقاری (۱۳۹۴) است. در این مقاله صرفاً به بررسی ساختاری منظومه‌های عاشقانه توجه شده و انواع آن مورد بررسی قرار گرفته و نگاه جزئی براساس تصاویر خیالی در آن نیست.

پژوهش شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی از مشتاق مهر و سردار بافکر (۱۳۹۵) است. این مقاله شامل دو قسمت می‌باشد که قسمت محتوایی مقاله ارتباطی به موضوع اینجانب ندارد اما در قسمت شاخص‌های صوری و در قسمت عناصر خیال اشاره‌ای به تصاویر طبیعت در خسرو و شیرین شده اما از آنجایی که این مقاله به ادبیات تعلیمی هم توجه دارد لذا این مقایسه با اسکندرنامه نظامی صورت گرفته و گذرا از این قسمت رد شده است و اشاره‌ای به دو شاعر و یا دو اثر دیگر نیست. مقاله نقد تحلیلی - تطبیقی منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی از رضایی اردانی (۱۳۸۷) است. هدف این مقاله به تصویر کشیدن قدرت داستان‌سرایی نظامی در این دو منظومه است و نویسنده این مقاله سعی کرده محتوای داخلی داستان‌ها را مورد بررسی قرار دهد. با تمام این تفاسیر هیچ یک از مقاله‌های ذکر شده به بررسی تصاویر خیالی این سه منظومه با هم نپرداخته‌اند؛ لذا در مقاله سعی شده تصاویر شعری در این منظومه‌ها نشان داده شود. در این مقاله سعی شده که عناصر خیال (تشبیه و استعاره) در سه منظومه عاشقانه بررسی شده و سپس تصاویر مشترک در هر منظومه انتخاب و مورد تحلیل قرار بگیرد که حاصل کار چنین شده که در هشت موضوع تصاویر طبقه‌بندی شده و شاهد مثال‌هایی برای هر کدام ذکر شده و نوع نگاه هر شاعر در آن عنصر خاص کاویده شده است.

۱. خیال

کوشش ذهنی شاعر برای برقراری نسبت میان انسان و طبیعت را «خیال» یا «تصویر» می‌نامند. تصویر یکی از پرکاربردترین اصطلاحات است که از دیرباز مورد توجه بوده و افراد اهمیت زیادی برای آن قائل هستند. «بحث از تصویر، مختص به قلمرو ادبیات نیست؛ بلکه در روانشناسی ادراک و شاخه‌های گوناگون هنر از جمله سینما، نقاشی، پیکره‌سازی، نیز درباره این مفهوم بحث است» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۷). در این پژوهش بحث درباره تصویرسازی است اما قبل از آن اشاره کوچکی به انواع تشبیه و استعاره که از این سه منظومه استخراج شده می‌شود تا مشخص شود که تصاویر باتوجه به کدام عناصر خیال طبقه‌بندی شده‌اند. میزان استفاده هر شاعر از استعاره و تشبیه در اثر خود متفاوت بوده و این نشان از شرایط زندگی و سبکی هر شاعر دارد. فخرالدین اسعد به دلیل نزدیک بودن شرایط به سبک خراسانی در اشعار خود از تشبیهات و استعاره‌های ساده استفاده کرده و زیاد اثرش را پیچیده نکرده اما نظامی و خواجه

به دلیل شرایط سبک عراقی، آثار خود را با تشبیهات و استعاره‌های جدیدتر آمیخته‌اند و تصاویر خیالی زیباتری را خلق کرده‌اند. میزان استفاده از استعاره و تشبیه به این صورت است که در ویس و رامین شاعر بیشتر از تشبیه استفاده کرده؛ اما دو شاعر دیگر در منظومه‌های خود بیشتر استعاره استفاده کرده‌اند و میزان استفاده خواجه از استعاره بیش از نظامی است.

۲. تشبیه

تشبیه در لغت، مانند کردن چیزی است به چیز دیگر در یک یا چند صفت اما در اصطلاح علم بیان، تشبیه ادعای همانندی و اشتراک چیزی است با چیز دیگر در یک یا چند صفت (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۵).

۳. استعاره

استعاره یعنی عاریه خواستن؛ واژه‌ای را به علاقه مشابهت به جای واژه دیگری به کار می‌برند و مهم‌ترین نوع مجاز، مجاز به علاقه شباهت است که به آن استعاره می‌گویند.

تشبیه و استعاره هرکدام انواعی را شامل می‌شود که برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام از آوردن تعاریف به‌طور جدی خوداری شده و به ذکر چند شاهد مثال و نمودار بسنده می‌کنیم.

نمونه‌هایی از تشبیه در هر سه اثر:

به گیسو بشکنی بازار عنبر

*به خنده کم کنی مقدار شکر

(روشن، ۱۳۷۷: ۹۹)

چو گل خندان چو سرو آزاده‌ای بود

*که بانو را برادرزاده‌ای بود

(وحید دستگردی، ۱۳۸۵: ۹۳)

پری دختی چو خرم نوبهاری

*که قیصر در حرم دارد نگاری

(عینی، ۱۳۷۰: ۳۳)

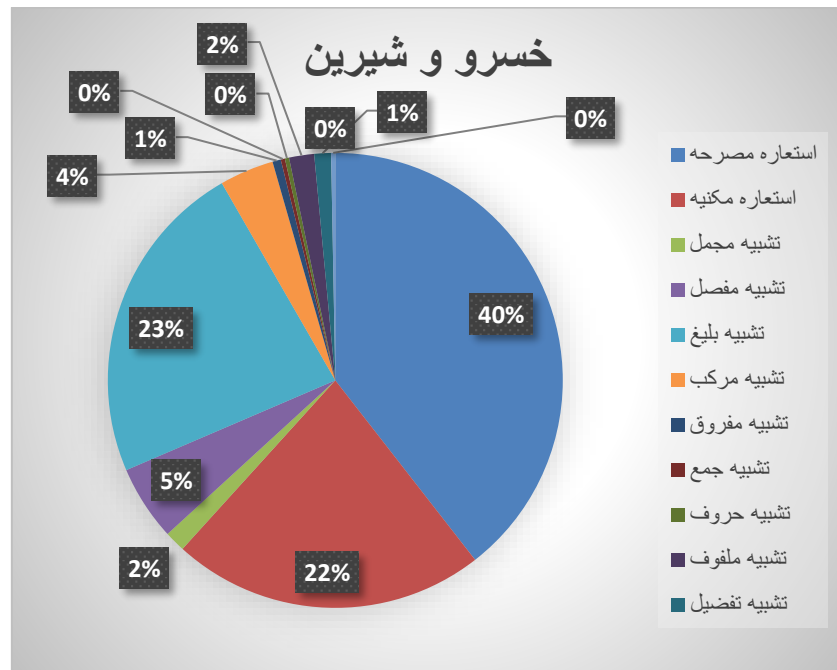
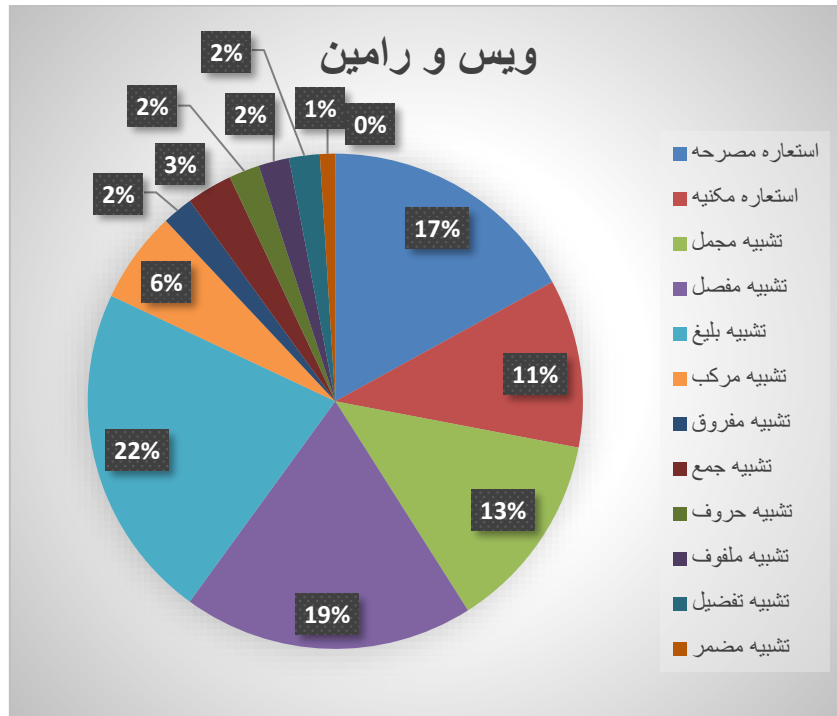
نمونه‌هایی از استعاره در هر سه اثر:

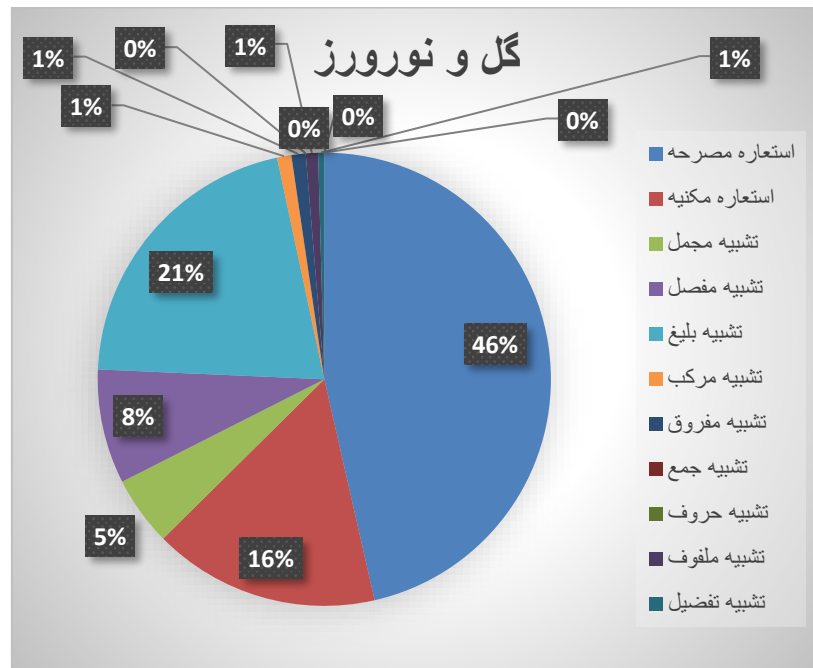
به لب یاقوت و در یاقوت ناهید

*به بالا سرو و بار سرو خورشید

(روشن، ۱۳۷۷: ۳۱)

و این هم نمودار درصدی در هر سه منظومه:





۴. تصویر

تصویر دارای مفاهیم پیچیده‌ایست و نمی‌توان یک تعریف درست از آن ارائه داد؛ زیرا در ادبیات می‌توان تصویر را مجموعه‌ای از ساخته‌های ذهنی شاعر دانست که در قالب‌های مختلف ادبی بیان می‌شود و تصاویر متعدد را به همراه صنایع ادبی می‌سازد. می‌توان گفت تصویر در شعر، پویاترین عنصر در به بند کشیدن ذهن مخاطب است (طالبی، ۱۳۹۹: ۲۲۷).

برای کلمه تصویر یا ایماژ، معانی دیگری نیز ذکر شده از جمله در انگلیسی: «بدل، کپی، عکس، شکل، هیأت، تشبیه و ...» یا در عربی واژه‌های «صوره» یا «تصویر» را معادل ایماژ به کار برده‌اند. در زبان فارسی نیز کلمه «خیال» را معادل ایماژ دانسته‌اند. «اما در نقد ادبی و بلاغت فارسی اصطلاح تصویر مقبولیت عام یافته‌است» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۹).

در دنیای شعر هر شاعر و خیال وی، تصاویری یافت می‌شود که اگر در دنیای واقعی به دنبال آن باشید، نمی‌توانید آن را بیابید. از این رو می‌توان گفت که شاعران از تصاویر مجازی استفاده می‌کنند. در واقع این تصاویر که ساخته و پرداخته ذهن خلاق شاعر است به کمک نگاه خاص او به پیرامون شکل می‌گیرد.

عنصر معنوی شعر در همه زبان‌ها و زمان‌ها خیال بوده و هست که برای نشان دادن واقعیات مادی و معنوی به کار می‌رود و زمینه اصلی شعر را صور گوناگون و بی‌کرانه این نوع تصرفات ذهنی تشکیل می‌دهد. خیال شاعرانه منحصر به وزن و مفهوم شعر نیست بسیاری از تصرفات ذهنی مردمان عادی و نویسندگان را همین خیال تشکیل می‌دهد. علاوه بر خیال، احساس و عاطفه در وجود هر شاعر باعث خلق تصاویر منحصر به فرد می‌شود. تصاویری که با مجسم

کردن هر یک از آن‌ها در ذهن، دنیایی زیبا را می‌توان ساخت. یکی از منتقدان ادبی معتقد است که روح انسانی در تصویر خیال رخنه می‌کند و می‌گوید: «تصویر خیالی، تصویری است که روح در آن دمیده شده، آن نیمه‌واقعیت و آن معناها و هاله‌هایی که به ما احساس و موسیقی چیزها را القا می‌کند» (ولک، ۱۳۹۴: ۴/ ۱۴۴۶). عاطفه و خیال در شعر باعث به تصویر در آمدن اشیاء و اجسام بی‌جان می‌شود؛ به طوری که «ارزش تخیل در بار عاطفی آن است، تخیل که مجرد باشد هر چه زیبا باشد تا از بار عاطفی برخوردار نباشد، ابدیت نمی‌یابد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۵: ۹۰). صورت خیالی محصول تخیل جمال‌شناسانه است. بررسی تصاویر شعری در این سه منظومه منجر به یافتن هشت نوع تصویر مشترک شده که به همراه شاهد مثال و به ترتیب حروف الفبا در ادامه ذکر می‌شود و در انتها نیز نمودار درصدی رسم شده است:

۱-۳- عناصر انتزاعی: منظور از مفاهیم انتزاعی، مفاهیمی است که قابل لمس نیستند و بیرون از ذهن تصویری برای آنان وجود ندارد. فخرالدین اسعد یکی از شاعرانی است که از این عناصر در اشعار خود استفاده کرده و از آنجایی که خصیصه شعری او سادگی ابیات اوست، موفق شده امور انتزاعی را بسیار ساده تصویرسازی کند. تصویرسازی‌های زیبای او بدین گونه است که: بخت و سرنوشت و قضا و قدر را به جنگجویی مانند می‌کند که قصد حمله به او را دارد، از نظر او شادکامی چون درختی است که شاخ و برگ دارد، زمانه ممدوح او را قبله قرار می‌دهد و ادب و سخن از هنر او به وجد می‌آیند، بی‌وفایی همچون جهان است و وفا به دیواری محکم که شخص به دور خود می‌کشد. از نظر او اندوه رنگ سیاهی دارد و امید مانند کسی است که خرامان می‌رود؛ و بسیاری از تصاویر زیبای دیگر...

*نهان از هر کسی مر دایه را گفت که بخت شور من با من برآشف

(روشن، ۱۳۷۷: ۱۰۹)

*درخت شادکامی بارور شد همان بخت ستمگر دادگر شد

(همان: ۹۰)

*زمانه قبله کرده دولتش را سعادت سجده برده طلعتش را

(همان):

(۷۰۵)

*ادب کبر آرد از چون تو هنرجوی سخن فخر آرد از چون تو سخن گوی

(همان: ۵۳۴)

هرچند که این امور در شعر فخرالدین اسعد وجود داشت اما امور انتزاعی بیشتر در اشعار شاعران سبک عراقی بروز می‌کند که شعر از عالم حسی به عالم غیرحسی راه می‌یابد. از آنجایی که نظامی نیز یکی از شاعران این سبک به حساب

می‌آید و از افتخارات نظامی به کار بردن اصطلاحات و اطلاعات و علوم و دانش زمان خود است و از آوردن آن‌ها در اشعار خود به خود می‌بالد به همین طبع این نوع از تصاویر در اشعار او پخته‌تر شده و انسجام بیشتری می‌گیرد و از حالت سادگی به درمی‌آید و هنگام خواندن ابیات او، تصاویر شاهکار او هوش از سر می‌برد و انسان را فریفته تصویر-پردازی خود می‌کند.

*مخسب ای دیده دولت زمانی مگر کز خوشدلی یابی نشانی

(وحید دستگردی، ۱۳۸۵: ۲۸۷)

*به جستجوی او بر بام افلاک دریده وهم نعلین ادراک

(همان: ۶)

۲-۳. عناصر بزم: از آنجایی که پادشاهان و درباریان باده‌نوشی و شادخواری را یکی از لوازمات مجالس بزم خود می‌دانند و وصف باده و ساغر و زیبارویانی که در این مجالس هستند؛ از جمله تصاویری است که در اشعار شاعران یافت می‌شود. به همین طبع با توجه به سه منظومه مورد بررسی که در گوشه‌هایی از داستان با این نوع مجالس روبه‌رو هستیم، شاعران تمام تلاش خود را در آفریدن تصاویر زیبا به کار بسته‌اند. در تصویر شماره ۱ که مربوط به نسخه مصور خسرو شیرین است جمع مناظر طبیعت و تصویر معشوق یعنی لیلی ترسیم شده است.



تصویر ۱. نگاره آب‌تنی شیرین در چمسه، منتسب به حیدرقلی. مکتب شیراز. محل نگهداری: موزه کتابخانه پاریس

در ویس و رامین، این نوع تصاویر بسیار ساده و خالی از خیال‌های دور از ذهن است و مخاطب به محض خواندن متوجه تصویرسازی‌های ساده شاعر اما در عین حال، دلنشین می‌شود. شاعر سعی کرده به این‌گونه تصویرسازی کند: «بت» نماد زیبایی در تمامی منظومه‌های عاشقانه است در این منظومه هم به طرق مختلف وصف شده از جمله توصیف دو بت از نظر زیبایی به خورشید و ماه، لب معشوق چون انگبین و باده در هم، رخ‌یار به سرخی توده گل، زیبایی او همچون شاه جوانی که حکومت می‌کند. جاری شدن خون از جسم یار چون ریختن باده از جام بلورین است و ...

* ز اصفاهان دو بت چون ماه و خورشید

خجسته آب ناز و آب ناهید

(روشن، ۱۳۷۷: ۵)

* هنوزش بود پشت لب چو ملحم

لبش چون انگبین و باده در هم

(همان، ۱۱۳)

* رخانش هست گفתי تو ده گل

لبانش هست گفתי قطره مل

(همان، ۱۰۶)

برخلاف گرگانی، تصویرسازی در نظامی زیباتر و جذاب‌تر است و ذهن خواننده را درگیر می‌کند و هنگام مطالعه ابیات ذهن تصاویر را به مانند یک تابلوی نقاشی که همه چیز در سر جای خود است در نظر می‌گیرد و در مقابل چشم به نمایش درمی‌آورد. از نگاه نظامی معشوق چون بلور دلکشی است که شاه با دیدن او چون خورشید پر از آتش است، تشبیه قطرات اشک به می، تشبیه مژه یار به کاسه چینی نم گرفته و میانی چون موی زنگی خم گرفته، عصبانی شدن شیرین به مانند می در حال جوشیدن، بت زیبارویی که موهای او چون زنجیرست و ...

* شه از دیدار آن بلور دلکش

شده خورشید یعنی دل پر آتش

(وحید دستگردی، ۱۳۸۵: ۷۴)

* به می بنشین زمژگان می چه ریزی

غمت خیزد گر از غم برنخیزی

(همان، ۲۱۴)

* مژه چون کاس چینی نم گرفته

میان چون موی زنگی خم گرفته

(همان، ۹۷)

در اشعار خواجه نیز علی‌رغم سادگی بیان او، موفق به خلق تصاویری گشته که از گرگانی زیباتر است البته به طبع که این تجربه چندین سال پس از گرگانی است و باید پخته‌تر و زیباتر باشد. زیبارویی چون شمشه چین، دلش مانند جعد مهرویان شکسته و در زنجیر است. قد معشوق چون زلف پر خم و رخس چون گل شبنم گرفته است، از نگاه او درد شرابی است که حتی طبیب هم آن را می‌نوشد، ساقی را ترک آتش روی می‌داند و از او آب آتش رنگ طلب می‌کند، برآشفتن چون چین زلف بت رویان، علت شیرینی تنگ شکر و ...

*نگاری بربری چون شمشه چین نهاده جام زر بر دست سیمین

(عینی، ۱۳۷۰: ۳۱)

*چو جعد ماه رویان دل شکسته دل شوریده در زنجیر بسته

(همان: ۲۲)



تصویر ۲. خسرو نظاره‌گر آب‌تنی شیرین. هنرمند شیخ‌زاده. خمسه نظامی. مکتب هرات. محل نگهداری: موزه متروپولین

در تصویر شماره ۲ نیز شاعر و هنرمند به زیبایی گیسوان شیرین را ترسیم کرده‌اند.

۳-۳- عناصر حیوان: جانوران به سبب کاربرد تخیلی و تمثیلی که دارند همواره در ادبیات فارسی نقش زیادی داشته‌اند. یکی از قدیمی‌ترین روش‌ها در ادبیات استفاده از حیوانات برای تشبیه و همانندسازی بوده است. علاوه بر ادب فارسی در ادبیات سایر کشورها نیز حیوانات نقش مهمی در تصویرسازی دارند؛ اما با توجه به طبیعت متفاوت ایران که تنوع گونه‌های جانوری در آن بیشتر از مناطق دیگر است، ذکر نام جانوران و تشبیه قراردادن و تصویرسازی با آن‌ها در اشعار فارسی بیشتر است. به هر روی، آشنایی با حیوانات مختلف باعث می‌شود که آن شعر و تصویر در نظر مخاطب زیباتر شود. در هر سه منظومه شاعران برای تصویرسازی از حیواناتی استفاده کرده‌اند که می‌توان گفت در هر سه مشترک است مانند: شیر، پیل، پلنگ، اسب، نهنگ، طاووس، زاغ و ... اما بعضی از این حیوانات تکرار نشده‌اند:

در ویس و رامین: گراز، گنجشک، ماهی، گوزن و ...

*بزرگان مثل شیران شکاری بتان چون آهوان مرغزاری

(روشن، ۱۳۷۷: ۳۴)

*ز خوبی همچو باغ نوبهاری ز گشی چون گوزن مرغزاری

(همان، ۳۲۴)

*گرازی زان یکی گوشه برون جست ز تندی همچو پیلی شرزه و مست

(همان، ۵۱۷)

در خسرو و شیرین: خروس، تذرو، سنجاب، عنکبوت، هما و

*نهاد از حوصله زاغ سیه پر به زیر پر طوطی خایه زر

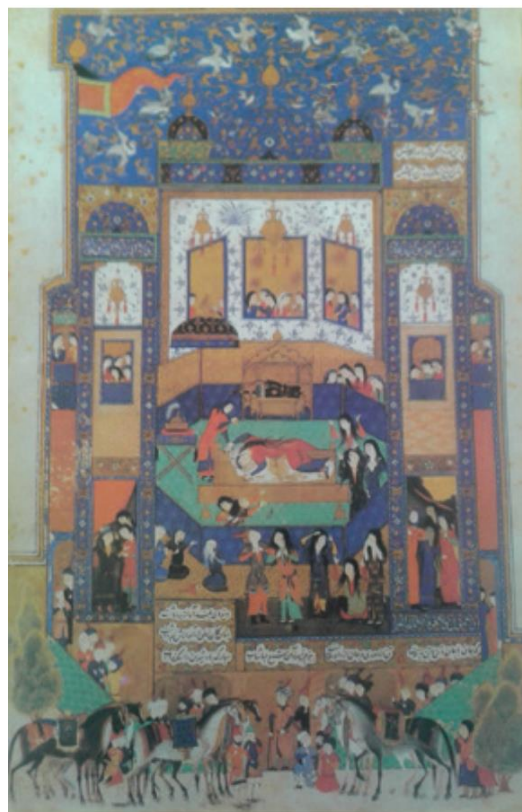
(وحید دستگردی، ۱۳۸۵: ۴۳)

*ز رشک آن خروس آتشین تاج گهی تیهو بر آتش گاه دراج

(همان، ۸۸)

*گلش زیر عرق غواص گشته تذروش زیر گل رقاص گشته

(همان، ۲۳۶)



تصویر ۳. نگاره مرگ شیرین. هنرمند نامعلوم. خمسه نظامی. مکتب ترکمان. ۹۱۱ ه.ق. مجموعه کایر

در تصویر شماره ۳ شاهد کاربرد اسب در نگاره هستیم عنصری که سبب شده تا این تصویر غم‌انگیزتر به نظر برسد. ۳-۴- عناصر خاص: در این قسمت اسامی و شخصیت‌های خاص و اسامی که خیلی تکرار نشده، مورد بررسی قرار گرفته‌است. استفاده از اصطلاحات دینی و اسطوره‌ای در مقام مشبیه، همواره در قالب صنعت ادبی «تلمیح» روی می‌دهد، درواقع تلمیح کلمه و لفظی اندک است که منظور از الفاظ اندک درواقع همان به‌کارگیری نام شخصیت‌های تاریخی و یا اسطوره‌ای است. از آنجاکه مفهوم مکان در ذهن انسان با تجربه‌ها و نمودهای عینی گره خورده است، یکی از طبیعی‌ترین و عادی‌ترین انواع آن مکان به معنای اسم آن است. مکان البته ممکن است علاوه بر فضای عادی، دربرگیرنده فضاهای ماورایی همچون بهشت و جهنم نیز باشد؛ اما در هر دو حالت، محاکات هنری صورت می‌گیرد و شاعر دنیای عینی را با فضای ذهنی خود تطبیق می‌دهد. در این سه منظومه نیز با این مکان‌ها و تلمیحات مواجه‌ایم؛ از جمله:

در ویس و رامین: حور، پری، سروش، دلکش، دوزخ، دیو، بیژن، لیلی، بلقیس، تاج کسری.

*جوابش داد خورشید سخنگوی سروش دلکش آن حور پریروی

* پری دیدار خورشید زمین را

شکر گفتار حور راستین را

(همان، ۱۱۳)

* ستنبه دیو مهر آمد به جنگش

بزد بر دلش زهرآلوده چنگش

(همان، ۱۵۳)

* سپاهی بود همچون کوه آهن

بتر مردی در آن بهتر ز بیژن

(همان، ۲۳۸)

در خسرو و شیرین: داوود، مانی، جمشید، یوسف، زلیخا، بهشت، زبور.

* به داودی دلم را تازه گردان

زبورم را بلند آوازه گردان

(وحید دستگردی، ۱۳۸۵: ۵)

* در آن صحرا که او خواهد بتازید

بهشتی روی را قصری بسازید

(همان، ۷۴)

* در آمد نقش بند مانوی دست

زمین را نقش‌های بوسه می‌بست

(همان، ۸۸)



تصویر ۴. نشان دادن تصویر خسرو به شیرین. منسوب به آقامیرک. خمسه نظامی. مکتب هرات. ۸۹۶ ه.ق. محل نگهداری: کتابخانه بریتانیا

در تصویر فوق که مربوط به خسرو شریین نظامی است از نمادهای طبیعتی برای ایجاد فضای عاشقانه استفاده شده است.

در گل و نوروز: پری، شب‌دیز، سلیمان، قندیل ترسا، کحل عیسی، کعبه، شیرین، فرهاد.

*روان شد با پری پیکر چو جمشید علم زد بر خراسان همچو خورشید

(عینی، ۱۳۷۰: ۱۶۰)

۵-۳- عناصر رزم: شکی نیست که اکثر شاعران با رقت قلب خاص خود به راحتی می‌توانند تصاویر زیبای احساسی را خلق کنند و کم‌تر سنخیتی با عالم رزم و خشونت‌های مربوط به آن را دارند؛ اما با توجه به اینکه پیرامون هر شاعر خالی از جنگ و مراسم مربوط به آن نبوده و معمولاً اکثر شاعران ملازمان دربار به حساب می‌آیند، توانسته‌اند با ابزار سپاهی‌گری تصاویر زیبا و ملموسی را در اشعار خود بیافرینند.

در ویس و رامین، بیشتر تصاویر رزم مربوط به اوضاع و اوصاف عاشق و معشوق است و با استفاده از ادوات جنگی شاعر تصویرسازی می‌کند؛ و گاهی تصاویر مربوط به صحنه جنگ‌های واقعی است و گاهی با اسامی معنی بازی می‌کند. سیمین تیر اندام معشوق بر اثر بیماری زرین کمان می‌شود، بی‌نیازی پرچمی است که معشوق به بالا می‌کشد، ایمان چون تیغی است که سرزمین کفر را پاک می‌کند، امید چون زوبین در دل رامین وجود دارد، کینه چون کوس‌های غران است، سر جنگاوران چون گوی در زمین سرگردان است و....

*به یک هفته ز بیماری چنان شد که سیمین تیر وی زرین کمان شد

(روشن، ۱۳۷۷: ۲۴۱)

*نیاز من به روی خود بدیدی درفش بی نیازی بر کشیدی

(همان، ۴۴۰)

*بشد کیش بت آمد دین یزدان زمین کفر بستد تیغ ایمان

(همان، ۷)

اما در خسرو و شیرین برخلاف ویس و رامین که بیشترین استفاده را در خلق حال و احوال عاشق و معشوق دارد، عناصر رزم بیشتر برای ساخت تصاویری مربوط به طلوع و غروب آفتاب به کار رفته‌است. یک نمونه بسیار زیبا از تصویرپردازی نظامی در غروب خورشید به این صورت است: خورشید که از حصار لاجوردی خود بیرون می‌آید و بر سر دیوار زردی علم می‌زند به مانند پادشاهی است که در شکست خود عود می‌سوزاند و علم و پرچم را پاره می‌کند، عنان

یک رکابی می‌زند و با فلک به شمشیربازی می‌پردازد و چون در نهایت عاجز می‌شود همچون نیلوفر سپر خود را به آب می‌اندازد و تسلیم می‌شود؛ و.....

*چو زین خرگاه گردان دور شد شاه برآمد چون رخ خرگاهیان ماه

(وحید دستگردی، ۱۳۸۵: ۲۸۰)

*چو خورشید از حصار لاجوردی علم زد بر سر دیوار زردی

چو سلطان در هزیمت عود می‌سوخت علم را می‌درید و چتر می‌دوخت

عنان یک رکابی زیر می‌زد دو دستی با فلک شمشیر می‌زد

چو عاجز گشت ازین خاک جگر تاب چو نیلوفر سپر افکند بر آب

(همان، ۴۳)

*مخسب ای سر که پیری در سر آمد سپاه صبحگاه از در درآمد

(همان، ۳۱۰)



تصویر ۵. نگاره ازدواج خسرو و شیرین. هنرمند شیخ‌زاده. خمسه نظامی. ۸۷۷-۹۴۳ ه.ق. محل نگهداری: موزه متروپولین

تصویر شماره ۵ ترسیم مجلس بزم مربوط به خسرو شیرین است که کوشیده تا این بخش از داستان عاشقانه آن‌ها را به خوبی ترسیم کند.

در گل و نوروز برخلاف دو شاعر دیگر، از عناصر رزم برای ساخت انواع تصاویر استفاده شده یعنی؛ خواجه در اشعارش هم به وصف عاشق و معشوق و اوضاع آن‌ها پرداخته و هم تصاویر مربوط به طلوع و غروب را به تصویر کشیده و هم به موضوعات دیگر پرداخته است. دل عاشق دمساز دیده است و به تیرانداز دیده کمان می‌بخشد، سنان برق از الماس است و فلک خون خورشید را در طاس می‌ریزد، شه سیاره علم بر بام می‌برد و با تیغ قلب بهرام را می‌شکند، فکر همچون کلک است که قلب را شکسته و با تیغ نطق راه را بر تیر بسته.

*دل عاشق کنـد دمساز دیده کمان بخشد به تیرانداز دیده

(عینی، ۱۳۷۰: ۴)

*سنان برق از الماسکرده فلک را خون خور در طاس کرده

(همان، ۵)

*علم بـرده شه سیا رهبر بام به تیغ زر شکسته قلب بهرام

(همان، ۱۶)

۶-۳-عناصر سنگ: از ویژگی‌های مهم شاعران، شناختن سنگ‌های مختلف و تصویرسازی آن‌هاست، البته این ویژگی در میان شاعران سبک عراقی جلوه بیشتری می‌یابد زیرا علاقه شاعران این دوره بیشتر به استفاده از اصطلاحات و دانش خود در زمینه تصاویر شعری و به رخ کشیدن دانش خود است. هرچند که در این منظومه‌ها فقط نگاه آن‌ها به ظاهر سنگ‌ها است؛ اما باز این خود نشان از آگاهی هر شاعر در دانش از سنگ‌هاست. این سه منظومه بیشتر تصاویر ساخته شده با سنگ مشترک است: به تصویر کشیدن زیبایی‌هایی معشوق، توصیف طبیعت، با ارزش نشان دادن یک فرد و یا یک شیء، توصیف می و...

در ویس و رامین:

*به بالا سرو و بار سرو خورشید به لب یاقوت و در یاقوت ناهید

(روشن، ۱۳۷۷: ۳۱)

*دهان چون غنچه گل ناشکفته بد و در سی و دو لولو نهفته

(همان، ۹۹)

*ز سبزه روی هامون چون زمرد ز لاله کوه سنگین چون زبرجد

(همان، ۳۶۲)

در خسرو و شیرین:

*دو شکر چون عقیق آب داده دو گیسو چون کمنند تاب داده

(وحید دستگردی، ۱۳۸۵: ۴۹)

در گل و نوروز:

*دهانی و هزارش خنده چون گل زده لعلش هزاران خنده بر مل

(عینی، ۱۳۷۰: ۳۵)

*سرشکش دم به دم بیرون دویدی گهردر رشته مژگان کشیدی

(همان، ۴۱)

۷-۳- عناصر طبیعت: طبیعت و گرایش به نباتات از دیرباز در فرهنگ ایران زمین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. این گرایش در انواع مختلف ادبی از جمله غنایی، تعلیمی، عرفانی و ... به‌عنوان یکی از شاخه‌های بارز این فرهنگ به‌خوبی مشهود است؛ به‌طوری‌که حتی می‌توان مدعا بود که طبیعت‌گرایی یکی از بن‌مایه‌های اصلی و شاخص در زمینه‌های مختلف ادبیات کهن فارسی است؛ از این‌رو گیاهان و به‌ویژه گل‌ها و درختان، نخستین مظاهر طبیعت در ذهن آدمی محسوب می‌شوند. از این جهت در تمامی ادوار شعر فارسی این نمونه‌های نخستین جهان طبیعت در قلم شاعران هنرمند برای تصویرگری به‌کار رفته‌اند. طبعاً بیشترین حجم تصاویر این سه شاعر نیز به توصیفات از طبیعت و خلق تصاویری که مشبه و یا مشبه‌به‌هایی از جنس طبیعت دارند را تعلق گرفته است. وصف‌هایی که در این زمینه در اشعار شاعران موردنظر ما دیده می‌شود عبارت‌اند از: تصویرسازی سن و سال با فصل‌های طبیعت، استفاده از انواع گل برای به تصویر کشیدن زیبایی‌های معشوق و گاهی تصویرسازی از گل‌ها با اندام انسان، استفاده از درختان برای

تشبیه راست قامتی، کوه را برای تنومندی، دریا برای فراوانی یک چیز، ترکیب اسامی معنی با کلماتی مانند: سیل و دریا و جوی و چشمه و...

در ویس و رامین:

*بنفشه زلف و نرگس چشمکانست چو نسرين عارض و لاله رخانست

(روشن، ۱۳۷۷: ۴۳)

*ز عمر خویش بودم در بهاران چو شاخ سرخ بيد از جویباران

(همان، ۳۸)

*گلت چون نیم پژمرده چینیست

سزاوار هزاران آفرینست

(همان، ۳۸)

*به فندق مشک را از سیم برکند

ز نرگس بر سمن گوهر پراکند

(همان، ۶۶)

۸-۲-عناصر نجوم: آسمان و صورفلکی آن، همیشه الهام‌بخش شاعران در تصویرپردازی بوده است و اغلب دیوان‌ها از این تصاویر سرشار است. آسمان، خورشید، ماه، روز و شب در صدر این تصویرسازی‌ها قرار دارند. در هر سه منظومه، بیشتر از ماه و خورشید و ستاره برای تشبیه معشوق و زیبایی‌های آن استفاده شده، تصویرسازی با صور فلکی و تشبیه قراردادن آن‌ها؛ اما از آنجایی که در سبک عراقی دانش نجوم نیز چون دانش‌های دیگر پرکاربرد است، به طبع نظامی و خواجه در اشعار خود بیشتر از این مورد بهره برده‌اند و حتی تشبیهات خود را با توجه به این دانش ساخته‌اند: مانند اشاره به صور فلکی، اشاره به خوشه‌های پروین و ...

در ویس و رامین:

*هزاران گل شکفته بر رخانش نهفته سی ستاره در دهانش

(روشن، ۱۳۷۷: ۱۶۱)

*لبان چون مشتری فرخنده کردار همه ساله شکر بار و گهر بار

(همان، ۴۸)

*بتان چون لشکرند اوشاه ایشان و یا چون اخترند او ماه ایشان

(همان، ۱۶۰)

چو کیوان بد آیین زلف هندوش

*چو بهرام ستمگر چشم جادوش

(همان، ۹۹)

در خسرو و شیرین:

به شاهنشاه در آمد چشم شیرین

*چو ماه آمد برون از ابر مشکین

(وحید دستگردی، ۱۳۸۵: ۷۷)

کز آن منزل شوند آنشب شتابان

*بفرمود اختران را ماه تابان

(همان، ۶۲)

شما ماهید و خورشید آن کنیز است

*فرود آرید کان مهمان عزیز است

(همان، ۷۴)

عطارد را به برج ماه بردند

*مرا در بزمگاه شاه بردند

(همان، ۳۷۸)

در گل و نوروز:

سپهر ملک را تابنده ماهی

*که در ملک خراسان بود شاهی

(عینی، ۱۳۷۳: ۱۵۵)

تویی نقش نگین خاتم گل

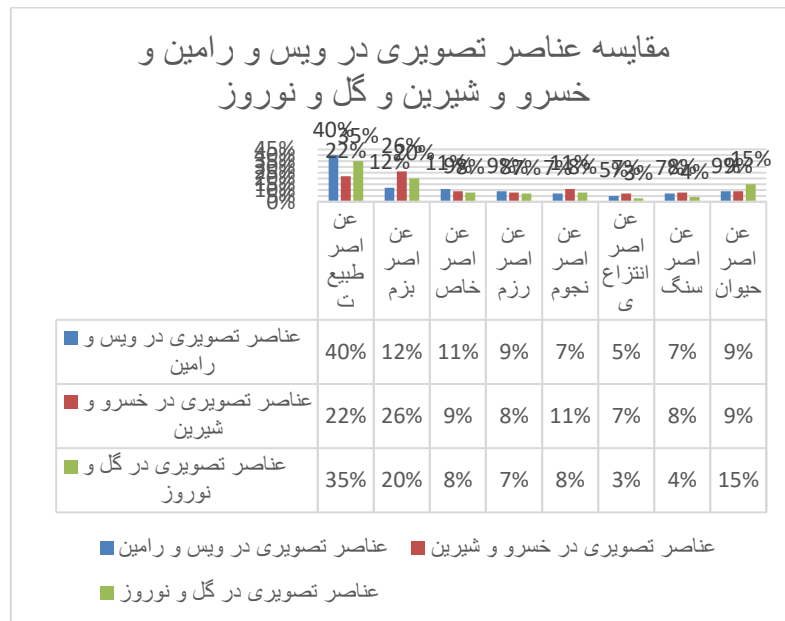
*تویی خورشیدبرج عالم دل

(همان، ۸)

قمر زین سمند تیز گامش

*زحل چوبک زن هندوی بامش

(همان، ۱۰)



نتیجه‌گیری

تطبیق و مقایسه راه و روشی برای دستیابی به حقایق اصیل است. مقایسه تصاویر شعری، از مباحث اساسی در مطالعات ادبی است و سبک و ارزش هنری اثر را روشن می‌سازد و میزان قدرت و نوآوری و تأثیرپذیری از میراث گذشتگان را مشخص می‌کند. چنانچه بپذیریم که شعر، گره‌خوردگی اندیشه و عاطفه و خیال در زبانی آهنگین است و خیال عنصر اصلی شعر، در آن صورت به میزان اهمیت عنصر خیال در عرصه شاعری پی خواهیم برد. در این تحقیق از دو عنصر خیال (تشبیه و استعاره) استفاده شد که در مجموع هشت تصویر شعری از آن‌ها استخراج شد و مورد بررسی قرار گرفت. در این سه منظومه گاهی تصویرسازی با لفظ‌های مشابه و مستعار بود و گاهی با لفظ‌های مشابه و مستعار له. باتوجه به بررسی این عناصر تصویری در هر سه منظومه: بیشترین میزان تصاویر در ویس و رامین، استفاده از طبیعت است و کم‌ترین تصاویر در عناصر انتزاعی یافت می‌شود. در خسرو و شیرین، عناصر بزم بیشترین و عناصر انتزاعی کم‌ترین تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند. گل و نوروژ نیز از نظر استفاده از تصاویر به مانند ویس و رامین، بیشترین تصاویر او مربوط به طبیعت و کم‌ترین تصاویر او مربوط به امور انتزاعی است و نکته آخر اینکه هر سه منظومه از نظر استفاده از کم‌ترین عنصر، در عناصر انتزاعی اشتراک دارند. ویس و رامین اولین منظومه عاشقانه بوده که بعد از او شاعران بسیاری به تقلید از آن منظومه‌های خود را سروده‌اند. یکی از این شاعران نظامی است که خسرو و شیرین را به تقلید از ویس و رامین سروده و بعد از او خواجه به تقلید از خسرو و شیرین، گل و نوروژ را سروده؛ اما این سه منظومه فقط در محتوا و موضوع اشتراک دارند؛ اما سبک هر شاعر در سرودن این چند مثنوی مخصوص خود او بوده است.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- اسعد گرگانی، فخرالدین. (۱۳۷۷). ویس و رامین، مقدمه و تصحیح دکتر محمد روشن، تهران: چاپخانه مهارت.
- پارساپور، زهرا. (۱۳۸۳). مقایسه زبان حماسی و غنایی، تهران: اشارات دانشگاه تهران.
- حاکمی والا، اسماعیل. (۱۳۸۶). تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران و انواع شعر غنایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خواجوی کرمانی، کمال‌الدین. (۱۳۷۰). گل و نوروز، به اهتمام و کوشش کمال عینی، چاپ دوم، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). یک صد منظومه عاشقانه فارسی، تهران: نشر چرخ.
- رزمجو، حسین. (۱۳۹۰). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۵). ادوار شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). انواع ادبی، چاپ سوم، تهران: نشر میترا.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴). تاریخ ادبیات در ایران، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴). تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا. (۱۳۹۵). معانی و بیان، تهران، انتشارات سمت.
- فتوحی رود مجنون، محمود. (۱۳۹۵). بلاغت تصویر، تهران: انتشارات سخن.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۵). کلیات نظامی گنجوی، جلد اول، مطابق با نسخه تصحیح شده وحید دستگردی، چاپ سوم، تهران: چاپ گیتی.
- ولک، رنه. (۱۳۹۴). تاریخ نقد جدید، جلد اول، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- هایت، گیلبرت. (۱۳۹۴). ادبیات و سنت‌های کلاسیک، ترجمه محمد کلباسی و مهین دانشور، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.

مقالات

- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). «ساختار داستانی منظومه‌های عاشقانه فارسی»، مطالعات زبان و ادبیات غنایی، شماره ۱۷، ۷۳-۹۰.

رضایی اردانی، فض‌الله. (۱۳۸۷). «نقد تحلیلی - تطبیقی منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی»، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۱۱، ۸۷-۱۱۲.

طالبی، مرتضی. (۱۳۹۹). «تصویرسازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی»، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۹، ۲۴۴-۲۵۵.

هادی، روح‌الله و نصیری، زینب. (۱۳۹۲). «ساختار تشبیه در خسرو و شیرین و ویس و رامین»، فصلنامه ادب فارسی، شماره ۲، ۱۳۱-۱۱۵.